

۹۱/۱۰/۱۶ • آخرین به روز رسانی: ۹۱/۱۰/۲۰ • ۲,380 🔥

📖 خواندن این مطلب 15 دقیقه زمان میبرد

سنت تشریحی و سنت غیر تشریحی و افراط و تفریط در این مورد

نویسنده: دکتر یوسف قرضاوی / مترجم: عبدالعزیز سلیمی

افراط در مورد نفی قانونگذاری بر اساس سنت

«استاد عبدالمنعم نمر» یک بحث تحقیقی را در ارتباط با «سنت و تشریح» بر اساس آراء قرافی، دهلوی و شلتوت ارائه نموده و با آن هایی که معتقدند همه ی آنچه در سنت آمده مبنای حکم قانونگذاری قرار می گیرد مبارزه نموده است.

ایشان از آن بحث و مقاله ی تحقیقی، دیدگاه ها و تحلیلات مفید و راهگشایی را ارائه نموده، اما تا حدودی راه افراط را در پیش گرفته و تا آنجا جلو رفته که به خارج نمودن مسائلی مانند: معاملات و امور مدنی و اجتماعی از دایره ی دین نزدیک شده است. و بر اساس همین رویکرد کار او به جایی انجامیده که برخی از اموری را که بر اساس سنت و اجماع همه ی مذاهب فقهی مانند «بیع سلم» حلال است، تحریم نموده است.

رسول خدا (ص) با توجه به نیاز مردم و پس از وضع ضوابطی در جهت جلوگیری از زیان و مشاجره میان طرفین، معامله ی «سلم یا سلف» را مباح فرموده است. و در این رابطه احادیثی روایت شده و در طول چهارده قرن علماء در مورد آن اتفاق نظر داشته اند.

عده ی زیادی از راویان از ابن عباس رضی الله عنهما نقل می نمایند: زمانی که رسول خدا (ص) وارد شهر مدینه شد و متوجه گردید که مردم برای معامله ی محصولات و میوه جات گاهی به صورت یک سال و دو سال آن ها را پیش خرید می نمایند، فرمود: «هر کس که به معامله ی پیش خرید یا پیش فروش را انجام می دهد، به وسیله ی وزن یا پیمانانه مقدار آن را مشخص کند و زمانش را معین نماید.»

حتی ابن عباس می گوید: من شهادت می دهم معامله ی «سلم» که تا فرا رسیدن زمان تحویل ضمانت شود، خداوند خود در قرآن آن را حلال نموده و آن را مجاز دانسته

است و سپس این آیه را تلاوت نمود:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ) بقره: ۲۸۲

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید ! هرگاه به همدیگر تا مدت معینی (از لحاظ روز و ماه و سال) وامی دادید ، آن را بنویسید.»

و کلمه ی شهادت می دهم نوعی سوگند است و ابن عباس که از پیشگامان صحابه در عرصه ی تفسیر قرآن است به این موضوع معتقد است.

اما دکتر شیخ نمر راجع به سلم می گوید: «سلم بیع کالا و محصولی است که هنوز به وجود نیامده و فروشنده تنها تعهد می نماید که در موقع مقرر آن را تحویل خریدار بدهد. و این نوع معامله در میان مردم روستایی و کشاورز بسیار رایج است و خریداران از نیاز کشاورزان در این مورد سوء استفاده نموده و می نمایند و به همین خاطر ما بر این باوریم که این عمل، کاری نامشروع و حرام است.» [۱]

اما بهتر آن بود که دکتر نمر به تحریم ظلم و اجحاف و سوء استفاده اکتفا می کرد و اصل مشروعیت «معامله ی سلم» را بر اساس قرآن و سنت و اجماع انکار نمی کرد.

این نوع افراط و تحریف و سوء استفاده از حدیث: «انتم اعلم بأمر دنیاکم» و به کارگیری آن در غیر معنی مقصود و مورد نظر، نباید سبب عکس العمل افراطی و غیرمنصفانه ما بگردد و اساساً معنی حدیث را ملغی و کان لم یکن تلقی بنمائیم و منکر آن باشیم که برخی از مسائل وارده در سنت برای بیان حکم و تشریح نبوده اند و این سبک و روش افراطیونی است که در کتب آنان ملاحظه می گردد مانند کتب «السنه تشریح لازم و دائم» نوشته ی دکتر فتحی عبدالکریم در نقد مقاله ی «السنه التشریحیه و غیر التشریحیه» نوشته ی دکتر محمد سلیم العوا و همچون دو مقاله ی دکتر موسی لاشین و دکتر علی قره داغی در نقد کتاب دکتر عبدالمنعم نمر که در شماره ی دوم «مجله مرکز بحوث السنه و السیره» دانشگاه قطر، نگارش یافته اند.

آنچه که در این رابطه ضروری به نظر می رسد این است که موضوع با اعتدال و میانه روی مورد بحث قرار گیرد و در پرتو قرآن و سنت و مقاصد و قواعد شریعت و توجه به شناخت و برداشت های گذشتگان که فقیه ترین نسل مسلمان در استنباط احکام بوده اند مسأله مورد دقت و تعمق قرار گیرد.

افراط و تفریط در مورد سنت تشریحی

بنابراین موضوع مهم مورد بحث در این جا این است که معلوم شود کدام بخش از سنت، تشریحی است و مردم مسلمان مکلف به پیروی و به کارگیری آن هستند و کدام بخش از آن سنت تشریحی نبوده و برای بیان حکم نیست.

همچنین لازم است روشن شود که چه مواردی در سنت به عنوان حکم و قانون عمومی و لازم الاجرا و معتبر است و در هر شرایطی و تا فرارسیدن قیامت بکارگیری آن بر مردم مسلمان واجب می باشد و چه مواردی در سنت حکمی ویژه و در ارتباط با شرایطی خاص یا حالتی گذرا بوده اند؟

واقعیت آن است آن هایی که امروزه خود را به اسلام منتسب می نمایند در خصوص سنت دو جبهه ی مخالف را تشکیل داده اند:

گروه اول: کسانی هستند که می خواهند همه ی آن اموری را که در سنت رسول خدا آمده و روایت شده به عنوان حکم و قانونی لازم الاجرا برای همه ی مردم و در هر شرایط زمانی و مکانی و برای هر حال و وضعی تعمیم دهند.

اما واقعیت آن است برخی از مسائلی که در سنت آمده است بر اساس سرشت و طبیعت و عادت برخی دیگر در ارتباط با تجارب و معلومات نشأت گرفته از محیط و شرایط خاص زندگی بوده و شماری هم تنها از روی اتفاق و تصادف روی داده و عمد و قصدی در کار نبوده است و بر همین اساس بسیاری از علمای «اصول فقه» بر این باورند: تنها حکمی که از آن موارد استنباط می شود مباح و مشروع بودن است.

برای مثال در زمان معاصر، بعضی معتقدند: منبر موعظه نباید بیش از سه پلکان داشته باشد و بیش از آن با سنت رسول خدا تضاد دارد و مستوجب مذمت است! در حالی که منبر قبلی رسول خدا (ص) دارای چندین پله بود و ارتفاع زیادی داشت و از تنه خرما ساخته شده بود و هنگام خطابه روی آن می نشست. و هیچ دلیلی وجود ندارد که دال بر ممنوعیت ارتفاع زیادتر یا کمتر منبر داشته باشد.

برخی هم بر این باورند که استفاده از عصا مستحب است. هر چند انسان به آن نیازی نداشته و جزو فرهنگ مردم نباشد، و حمل آن سبب زحمت و مشقت هم بشود و هر چند بر آن تکیه ننماید و برای راندن گوسفندانش از آن استفاده نکند و هیچ کار دیگری را با آن انجام ندهد.

برخی از اهل دین با روش برخی از خطیبان نماز جمعه که بدون در دست گرفتن عصا یا اسلحه روی منبر می روند و خطبه های نماز جمعه را می خوانند، مخالفند و آن را بی اهمتامی به سنت به شمار می آورند. یکی از آنان مرا به خاطر عدم استفاده از عصا به هنگام ایراد خطبه ی نماز جمعه مورد ملامت قرار داد و من هم در پاسخ به او گفتم:

وقتی من در ساعات و امور دیگر زندگی از عشا استفاده نمی کنم، چه ضرورتی دارد به هنگام ایراد خطبه از آن استفاده نمایم!

این موضوع مرا به یاد شمشیر چوبی انداخت که در بسیاری از ممالک اسلام تا چند سال پیش یکی از لوازم خطبه ی نماز جمعه بود و خطبا آن را به هنگام بیان خطابه به دست می گرفتند و پس از آنکه برای همه معلوم شد که این کار سوزه ای برای استهزاء و تمسخر گردیده - زیرا شمشیرها و اسلحه های مورد استعمال همه از آهن و فولاد هستند و خطبا همچنان شمشیری چوبی را در دست می گرفتند - کم کم آن را کنار نهادند.

گروه دوم: گروه دوم در اندیشه ی آن هستند که ارتباط میان سنت و همه ی مظاهر زندگی را به تمامی قطع نمایند و امور مربوط به عادات و معاملات و اقتصاد و سیاست و مدیریت و جنگ و صلح را اموری صرفاً دنیوی به شمار آورند و هیچ نقشی را برای سنت در زمینه ی امر و نهی و توجیه و راهنمایی قائل نباشند.

محور استدلال های این عده هم حدیث «أنتم أعلم بأمر دنیاکم» است که آن را از معنی اصلی و موضوع مورد نظر تحریف نموده اند. همچنان که پیشتر نیز گفته شد این حدیث را مسلم رضی الله عنه در کتاب صحیح در ارتباط با موضوع گرده افشانی و لقاح درخت خرما ذکر نموده که بجاست در جهت هر چه بیشتر روشن شدن موضوع، آن را مورد بحث و بررسی قرار بدهیم.

در بخشی از حدیث طلحه آمده است که همراه با رسول خدا (ص) از جایی می گذشتیم، عده ای را در حال گرده افشانی بر روی درخت خرما دیدیم، پیامبر (ص) فرمود: اینان چه کار می کنند؟ گفتم: گرده ی درختان مذکر را بر روی درختان مؤنث می پاشند تا عمل لقاح و باروری انجام بگیرد. رسول خدا فرمود: «گمان نمی کنم این کار آنان چندان ضروری باشد» وقتی که این فرموده ی رسول خدا به آنان رسید، کار گرده افشانی را ترک کردند و موضوع را به اطلاع رسول خدا هم رساندند، ایشان فرمودند: اگر آن کار برایشان فایده ای در بر داشته باشد، آن را ترک نکنند، من آن روز تنها بر اساس ظن و گمان خویش چیزی را گفتم و سخنی را که بر مبنای ظن و گمان گفته ام حجتی برعلیه من قرار ندهید اما هرگاه چیزی را از طرف خداوند برای شما نقل نمودم از آن پیروی کنید، زیرا من هیچ گاه به دروغ چیزی را از خداوند نقل نخواهم نمود.» [۲]

و در حدیث رافع بن خدیج آمده است: رسول خدا (ص) زمانی که وارد مدینه گردید مردم درختان خرما را گرده افشانی می کردند. و خود می گفتند که: آن را تلقیح می کنیم. رسول خدا پرسید: چکار می کنند؟ گفتند: ما آن ها را بارور می سازیم. فرمود: چه بسا اگر این کار را نکنید بهتر باشد. آن ها کار گرده افشانی را آن سال ترک کردند و در نتیجه درختان خرما ثمر اندکی دادند. رافع می گوید: موضوع را برای رسول خدا (ص)

نقل نموده و ایشان فرمودند: «من هم انسانم، هرگاه شما را در دینتان به چیزی دستور دادم از آن پیروی نمایید، و هرگاه رأی و نظر خودم را برایتان گفتم، من هم انسانم (و ممکن است دچار اشتباه بشوم)» [۳].

و در حدیثی که عایشه و انس رضی الله عنهما آن را نقل نموده اند آمده است: رسول خدا (ص) از جایی می گذشت عده ای را دید که مشغول گرده افشانی و لقاح درختان خرما هستند و ایشان فرمودند: «اگر آن ها این کار را نمی کردند امکان داشت که درختان خرما بارور شوند.» و سال بعد وقتی که رسول خدا به آنان رسید در مورد ثمر درختان خرما از آنان سؤال فرمود، در جواب گفتند: امسال باغ، ثمره ی خوبی نداشت. سپس رسول خدا فرمود: «أنتم أعلم بأمر دنیاکم» ، «شما خود به امور دنیوی خویش آگاهترید.» [۴]

بر اساس هر سه روایت معلوم می شود که رسول خدا (ص) در مورد یکی از امور دنیوی ، رأی و ظنی را اظهار فرموده است که راجع به آن هیچ گونه تجربه ای نداشته است. زیرا رسول خدا اهل مکه بوده و مکه و اطراف آن دره و منطقه ی غیرقابل کشت و زرعی بوده است و پیامبر با کشاورزی و باغداری آشنایی نداشته است.

اما یاران رسول خدا گمان نمودند که آن فرموده ی ایشان جزو تعالیم دین است و بایستی از آن متابعت کنند و شریعتی است که لازم است آن را عملی نمایند، اما نتیجه آن شد که درختان خرما بی ثمر ماندند و سپس رسول خدا برای آنان توضیح داد که آنچه را بیان نموده گمان و تصور شخصی ایشان در مورد یکی از امور فنی و تجربی دنیوی صرف بوده و خود آن ها در مورد آن تجربه و تبحر بیشتری دارند و به همین خاطر فرمود: «شما خود به امور دنیویتان آگاهی بیشتری دارید.»

همه ی اموری که این گونه هستند و اموری از قبیل کشاورزی و صنعتی و پزشکی و انواع حرفه ها و فنون که جزو مسائل دنیایی بوده و مردم خود در این مورد تجارب و تخصص دارند در سنت حکم و قانون واجب الاطاعه ای در خصوص این گونه موارد وجود ندارد و به همین دلیل است که امام نووی رحمه الله این حدیث را در شرح صحیح مسلم رضی الله عنه در باب «وجوب پیروی از آنچه رسول خدا به عنوان حکم و تشریح بیان فرموده و عدم و جوب پیروی از آنچه در رابطه با امور دنیوی و بر اساس رأی و نظر شخصی بیان نموده اند» قرار داده است.

اما چنانچه گروهی بخواهند این حدیث را وسیله ای برای کنار نهادن سنت و حتی کنار گذاشتن همه ی دین از واقعیت های زندگی و امور اجتماعی قرار دهند و مدعی شوند که اسلام رسالتی معنوی و عرفانی است، به هیچ وجه این ادعا مورد تأیید قرآن و سنت و روح اسلام قرار نمی گیرد. به همین خاطر، اسلام با استفاده از «قرآن و سنت» برنامه و ساختاری کامل و همه جانبه برای زندگی ارائه داده است که میان روح

و ماده و دنیا و آخرت ایجاد ارتباط می نماید و مسیر و حرکت زندگی را بر اساس شریعت خداوند سر و سامان می بخشد.

به همین دلیل قوانین و توجیهاات آن قوانینی فراگیر بوده و همه ی جوانب زندگی انسان را در بر می گیرد و در ارتباط با خوردن و آشامیدن، لباس و آراستگی، خرید و فروش، گرفتن و بخشیدن، ازدواج و طلاق، وصیت و میراث، نیکوکاری و صله ی رحم، ادب و اخلاق، جرائم و مجازات ها، جنگ و صلح، حکومت و سیاست و رهبریت و بسیاری از مسائل دیگر اسلام دارای مقررات و رهنمودهایی است و بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و فقه و آداب و احکام مملو از این ذخایر می باشند، و جالب است بدانیم که طولانی ترین آیه ای که در قرآن وجود دارد، در ارتباط با قضیه ی قرض دادن و قرض گرفتن و ثبت و نوشتن مقدار و زمان بازپرداخت آن است.

قضیه ی «سنت تشریعی» و «سنت غیر تشریعی» یکی از مهمترین مسائلی است که بسیاری در ارتباط با آن دچار اشتباه و سوء فهم شده و مرز میان سنت تشریعی که بیشتر سنت رسول خدا (ص) را شامل می شود و سنت غیر تشریعی، و سنت عام و خاص را به درستی از هم تفکیک ننموده اند، و متأسفانه بسیاری از آنان طبق معمول در دو جناح «افراط و تفریط» قرار گرفته اند.

من خود شاهد مشاجرات کلامی سختی میان آن ها در مورد مستحبات خوردن و آشامیدن بوده ام.

گروهی از آن ها نشستن بر روی صندلی و میز غذاخوری و استفاده از قاشق و چنگال را خلاف سنت دانسته و رعایت سنت را در نشستن بر روی زمین و برداشتن غذا به وسیله ی دست و لیس زدن آن پس از صرف غذا می دانند و همه ی کسانی را که این گونه رفتار نمیکنند متهم به مخالفت با سنت می نمایند.

طرف مقابل هم بر این گمان و باورند که قضیه ی خوردن و آشامیدن به امور عادی زندگی و فرهنگ و تجارب بشری مربوط است و بر اساس تحولات زمان و تفاوت محیط و شرایط آداب و رسوم آن تفاوت پیدا می کند و دین برای این نیامده تا مردم را در مورد چگونگی صرف غذا آموزش بدهد و برای دین هیچ اهمیتی ندارد که مردم با دست غذا را بخورند یا از قاشق و چنگال استفاده کنند، و همچنین برای دین فرق نمی کند که مردم با دست راست غذا را بردارند یا برای برداشتن آن از دست چپ استفاده کنند.

وقتی که به بررسی آن دو دیدگاه و دو برداشت از دین می پردازیم می بینیم که گروه اول با انگیزه ی پاسداری از سنت رسول خدا (ص) و پیروی از همه ی احوال و آداب ایشان این همه از خود حساسیت نشان می دهند آدابی که در اوج ساده زیستی و تواضع و قناعت و زهد و بی توجهی به مظاهر دنیا و پرهیز از دنباله روی از اشراف و

ستمکاران قرار داشته است. بدون تردید آنان به خاطر عشق و علاقه به پیروی همه جانبه از رسول خدا (ص) و قصد و نیت پاک خویش مورد احترامند و انشاءالله از اجر و پاداش اخروی برخوردار خواهند بود، زیرا روش برخی از اصحاب از جمله ابن عمر رضی الله عنهما را در پیش گرفته اند.

اما اشتباه و خطای آن ها از آنجا سرچشمه می گیرد که راه افراط و مبالغه را در پیش گرفته و این روش را بخشی از سنت رسول خدا و جزئی جدایی ناپذیر از دین تلقی نموده و با آن هایی که آن موارد را مراعات نمی کنند - بدون توجه به اوضاع و شرایط - به مخالفت برخاسته و در مواردی با دیگران به رویارویی پرداخته اند که هیچ لزوم و ضرورتی ندارد و خلاصه مطلب آن که چیزی که در نظر آنان «سنت» محسوب می شود جزو عادات و فرهنگ عربی سازگار با محیط و زمان و شرایط خاصی بوده و رسول خدا (ص) تنها به خاطر مراعات عادات و فرهنگ ملت خویش آن ها را انجام می داده است.

اما گروهی دیگر مسائلی را که دین به آن اهتمام می نماید و اموری که مورد اهتمام دین نیست، با هم درآمیخته اند. اگر چه صرف غذا بر روی زمین یا میز و صندلی و تناول به وسیله ی دست یا قاشق و چنگال هیچ اهمیتی برای دین ندارد، اما اسلام به برداشتن غذا با دست راست یا چپ اهتمام می ورزد. و این تنها بدان خاطر نیست که رسول خدا (ص) آغاز نمودن از طرف راست را در همه امور دوست می داشت، بلکه توجیهاات رسول خدا (ص) چه به صورت امر و چه به شیوه ی نهی بسیار صریح و واضح می باشند.

ایشان می فرمایند: «با بسم الله آغاز کن، با دست راست غذایت را بردار، و از جلو خود غذا را تناول کن!» [۵]

و می فرماید: «با دست چپ غذایتان را برندارید، زیرا شیطان با دست چپ غذایش را برمی دارد.» [۶]

و می فرماید: «هرگاه خواستید غذا بخورید، با دست راست غذا را بردارید و هرگاه خواستید چیزی را بنوشید با دست راست آن را بردارید، زیرا شیطان غذا و نوشیدنش را با دست چپ برمی دارد.» [۷]

و از سلمه بن اکوع روایت شده که یک نفر در حضور رسول خدا با دست چپ غذا می خورد، ایشان فرمودند: «با دست راست غذایت را تناول کن» آن مرد گفت: نمی توانم. رسول خدا فرمودند: نمی توانی یا تکبر به تو اجازه نمی دهد؟ آن مرد مدتی نتوانست دست راستش را به دهان خود برساند.»

این احادیث و روایات بیانگر اهمیت استفاده از دست راست برای برداشتن و تناول غذا در سنت رسول خداست. و این کار یکی از آداب و اخلاق های ارزشمند و خاص افراد و جامعه ی اسلامی و فرهنگ های اصیل و متمدنی است که همه ی تلاش خویش را برای پاسداری از ویژگی ها و عادات و فرهنگ خود به کار می گیرند.

استاد محمد اسد در کتاب «الاسلام علی مفترق الطرق» در خصوص آداب و رسومی که از طریق سنت پیامبر اسلام بیان شده اند و نقش این آداب و رسوم در زندگی مسلمانان، تحلیل جالب و ارزشمندی دارد که مطالعه و تدبر در آن بسیار ضروری است.

در ارتباط با دیدگاه و نگرش متضاد آن دو گروه، موضعگیری میانه روان آن است که میان سنت تشریحی لازم الاتباع و سنت غیر تشریحی که پیروی از آن لازم و ضروری نیست، تفاوت قائل باشیم، همچنین برای آگاهی از سنت خاص و عام به معرفت و شناختی دقیق و همه جانبه از قرآن و سنت رسول خدا (ص) نیازمندیم.

قضیه ی مهمی که نیاز به بررسی دارد

تردید نیست که موضوع «سنت تشریحی و سنت غیر تشریحی» یکی از مسائل مهم و حساسی است که تا زمان معاصر هم بحث راجع به این موضوع ادامه دارد و همچنان به تحقیق و بررسی و موشکافی بیشتر احتیاج دارد. همچنین مبنای این تقسیم بندی و به اجرا گذاشتن آن نیاز به تبیین دارد، و اساسا این مسأله بیش از آنکه به علم «اصول حدیث» ارتباط داشته باشد به علم «اصول فقه» مربوط می گردد - هر چند این دو علم بی نیاز از هم نیستند-.

برای اولین بار کسی که سنت را به چهار شاخه ی اصلی یعنی سنت تشریحی، سنت غیر تشریحی، سنت عام و سنت خاص تقسیم نمود استاد محمود شلتوت رئیس پیشین دانشگاه الأزهر بود و آن را در کتاب «فقه القرآن و السنّه: القصاص» مورد بحث قرار داده است. و این کتاب در اصل سلسله درس های ایشان برای دانشجویان دوره ی دکتری حقوق دانشگاه الأزهر در سال های دهه ی سی میلادی بوده و سپس این موضوع در خلال بحث های کتاب «الاسلام عقیده و شریعه» ایشان قرار داده شده است.

بسیاری از نویسندگان و اهل تحقیق، موضوع تقسیم بندی سنت به دو شاخه ی سنت تشریحی و سنت غیر تشریحی را از استاد محمود شلتوت گرفته اند. منظورم استفاده از عنوان و اصطلاح موضوع است نه معنا و محتوای آن، زیرا پیش از ایشان استاد علامه شیخ رشید رضا از علمای معاصر، در تفسیر المنار و پیش از او متفکر

بزرگ جهان اسلام علامه احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله محدث دهلوی در قرن دوازدهم هجری همین موضوع را مورد بحث قرار داده اند، همچنین در ارتباط با بخش تشریحی خاص امام ابوالعباس شهاب الدین قرافی متوفای (۶۸۴ هـ) به تفصیل سخن گفته است.

بسیاری از علمای پیشین و معاصر اعم از فقها و اصولیون در مناسبت های مختلف و با عناوین مختلف موضوع را مورد بحث قرار داده اند، حتی در عصر صحابه رضی الله عنهم این قضیه مورد بحث و مناقشه بوده است.

منبع: سنت سرچشمه دانش و تمدن / مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی / مترجم: عبدالعزیز سلیمی / انتشارات: نشر احسان ۱۳۹۰

[۱] - نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۴۲-۳۴۳، دارالجلیل.

[۲] - رواه مسلم فی الفضائل، برقم ۲۳۶۱.

[۳] - رواه مسلم، رقم ۲۳۶۲.

[۴] - رواه مسلم.

[۵] - متفق علیه عن عمر بن سلمه، اللؤلؤ و المرجان (۱۳۱۳).

[۶] - رواه مسلم عن جابر فی کتاب الاشریه.

[۷] - رواه مسلم عن ابن عمر (۲۰۲۰).

#چگونگی بهره گرفتن از سنت

#افراط و تفریط در مورد سنت

#سنت تشریحی و سنت غیر تشریحی

#سنت تشریحی

#سنت تشریحی و سنت غیر تشریحی و افراط و تفریط در این مورد

#سنت غیر تشریحی

#سنت تشریحی و غیر تشریحی چیست